

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهمیم از آن به که کشور به دشمن دهمیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمورشاه تیموری

المان - شهرک زیژن

۱۱ نوومبر ۲۰۱۳

شرح مختصری بر یکی از اشعار حافظ

باری در یکی از صفحات فیس بک نظرم را سه بیت از یک غزل مشهور حافظ که با حسن خط و قلم جلی نوشته شده بود، جلب کرد که بیت سوم آن این بود:

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه کار بنام من دیوانه زدند

چون من این بیت را از طفولیت تاکنون با "قرعه فال" شنیده و خوانده بودم، متعجب شدم و وقتی بدیوان چاپی اشعار حافظ که در دسترس داشتم و آن بر اساس نسخه علامه قزوینی و قاسم غنی چاپ یک هزار و سه صد و هفتاد و نه بود، مراجعه نمودم، در آنجا نیز کلمه "کار" را مشاهده کردم و مصراع را چنین خواندم:

"قرعه کار به نام من دیوانه زدند"

چون قبول ذهنم نشد در صدد افتادم تا بدانم که در دیگر نسخه ها این کلمه به چه نحو تحریر یافته است، "فال" و یا "کار"، بناءً موضوع را به تاریخ سی اکتوبر در پورتال آزادگان - "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - نشر نموده از دوستان شعر حافظ خواستم، تا به نسخه هائی از شعر حافظ که در دسترس خود دارند، مراجعه کرده و نظر خود را در باره ابراز دارند. خوشبختانه دوستان محترمی صدای مرا خالی نمانده و با علاقه مندی در باره ابراز نظر فرمودند، که عبارت از اینهايند:

جناب محترم ش. حمید، به تاریخ دوم نوومبر، قبول زحمت فرموده و در نسخه منحصر به فردی

که نزد خود دارند و آن همان نسخه دیوان حافظ است که از طرف کنگره بین المللی حافظ و کمیسیون ملی یونسکو در ایران به نشر رسیده، مراجعه نمودند. در آن کلمه مورد نظر را "فال" یافتند، که عکسبرداری آن غزل را نیز در صفحه پورتال نشر فرمودند.

محترم پیکان بنوال نیز به دیوان حافظ از روی نسخاً خطی علامه محمد قزوینی و قاسم غنی چاپ اول سال یک هزار و سه صد شصت و دوی انتشارات بامداد که نزد خود دارند مراجعه نموده و نگاشته اند که کلمه مورد نظر "فال" بوده یعنی "قرعه فال به نام من دیوانه زدند".

دوست هنرمند و گرامی الحاج حبیب زی صاحب دو مرتبه در زمینه ابراز نظر فرمودند اول، حبیب زی صاحب مبتدا و خبر را مد نظر گرفته و فرموده اند که هرگاه آسمان بار امانت نتوانست کشید را مبتدا قبول کنیم، کشیدن بار امانت بحیث یک عمل و فعل آمده است. بناءً در خبر باید کار بیاید و بطور ضمنی قرعه کار بنام من دیوانه زدند را قبول کرده اند.

دوم، جناب حبیب زی صاحب باز در باره قانع نبوده و به اصطلاح به دل خود بس نیامده به دیوان حافظ تفأل کرده که این بیت در جواب فال شان آمده است:

روز هجران و شب فرقت یار آخر شد

زدم این فال و گذشت اختر و کار آخر شد

و به اتکاء به این فال حبیب زی صاحب، هر دو کلمه را صحیح دانسته و گفته است شاید اول فال و دوم کار بود.

جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی که در تمام رشته های سخن و فن معانی ید طولا دارند و تمام کلمات و جملات شیرین زبان دری تحت فرمان شان است، در مقاله ای مفصلی بتاریخ پنج نوامبر در پورتال آزادگان - "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" - در باره نشر نموده اند که من قبل ازین که به توضیح بیشتر بپردازم، بعض نکات را از مقاله شان عیناً مینویسم:

"این غزل از جمله دست لوت شده ترین غزلهای حافظ است و این بدان معنی است که در ابیات مختلف این غزل دستکاریهای فراوان رخ داده است، که فال یا کار فقط یکی ازین دست وارثوریهای مصححان و ناشران خدائاترس است." بعداً در ادامه میفرمایند که از جمله چندین جلد دیوان حافظ که در دسترس قرار دارند، دو چاپ عمده ذیل را مد نظر گرفته و غزل مورد مناقشه را بررسی میکنم:

این غزل در دیوان "خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی"، چاپ سازمان انتشارات جاویدان ، چاپ اول زمستان سال شصت و دو با مقدمه "علی دشتی" چنین است: جناب شان تمام غزل را با هشت بیت یعنی با یک بیت زائد که در دیگر نسخه ها وجود ندارد نوشته اند که من تنها «بیت پنجم» را که مورد نظر میباشد، مینگارم که آن فرد چنین است:

آسمان بار امانت نتوانست کشید

قرعه فال بنام من دیوانه زدند

جناب معروفی صاحب در باره فرد زائد این غزل که در دیگر نسخه ها حذف شده و فرد مذکور این چنین است:

ما بصد خرمن پندار ز خود چون نرویم

که ره آدم خاکی به یکی دانه زدند

مینگارند، که دوست ارجمند آقای ش. حمید، صفحه مربوط این غزل را از روی نسخه منحصر بفرد کمیسیون ملی یونسکو عکاسی کرده که قابل تقدیر است و درین نسخه هم بیت بالا موجود است. البته این نسخه و نسخه انتشارات جاویدان در چندین جای آن نیز باهم فرق دارند که در تفاوتها و فرقهائی که خاص در همین غزل بین نسخه ها موجود، است معروفی صاحب به نکاتی اشاره کرده اند، که در پایان این مقال در باره آنها نیز تذکراتی بعمل می آورم. اما درینجا همین یک نکته را تمسک میگیرم، که در چاپ سازمان انتشارات جاویدان نیز کلمه متنازع فیه "فال" است نه "کار".

استاد بزرگوار، ملک الشعرا جناب اسیر صاحب، با ملایمت و نرمش خاصی که در کلام شان موجود است، به تاریخ شش نوومبر در پورتال وزین آزادگان شرح مفصلی از سابقه شعر حافظ در جامعه ما و چگونگی نگاهداشت دیوان حافظ در خانه ها و مراجعه همگان به شعر حافظ نگاشته اند و علاوه میدارند که این یک واقعیت مبرهن است که شعر و نام حافظ شیرازی در ممالک دری زبان آسیای میانه، حتی در نیم قاره هند تا بنگال، شهرت و محبوبیت خاص داشته و دارد. ما همه بیاد داریم که در سرزمین محبوب ما افغانستان، دیوان حافظ در زمره کتب متبرکه با پوشهای ابریشمین در منازل نگهداری و با بوسیدن و یک الحمد و سه قل هوالله خوانده بر آن تقال زده میشد.

علاوتاً خانواده ها اطفال خردسال خود را قبل از شمول به مکتب بغرض آموختن مبانی کلام در مسجد گزر نزد ملای مسجد به شاگردی میگذاشتند که این آموزش با قاعدل بغدادی، شروع شده و باخواندن دیوان حافظ و گلستان سعدی ادامه پیدا میکرد و قراری که دیده میشود اکنون هم نزد عوام این شیوه مشهود و متداول است. حتی در همین اروپا و امریکا نیزخانه ها با دواوین حافظ و سعدی مزین است. جناب شان در ادامه از محرومیتهای طباعتی که ما در کشور خود داشتیم سخن گفته و میفرمایند جهت رفع عطش در مطابع لکنهو، حیدرآباد و بازارقصه خوانی پشاور به کتب مورد نیاز خود، از جمله دیوان حافظ و دیگرشعراء، مراجعه میکردیم و در آن دواوین این مصراع شعرحافظ "قرعه فال" آمده و در حافظه مردم حک شده است. اما بعدها در طبع

کتب در ایران که تحت نظر دانشمندان زبان صورت می‌گرفت توجه بیشتری مبذول گردید، تا نواقص طباعتی رفع گردد. چنانچه در مجموعه اشعار حافظ که با تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی انتشار یافته است، نه تنها چنین تغییراتی ظاهر شده است، که بعضی غزلیات معروف دیگر مانند شعر معروف

این چه شوری ست که در دور قمر میبینم

همه آفاق پر از فتنه و شر میبینم

که در بین مردم خیلی متداول بود، حذف شده و قرعه فال هم به قرعه کار، چهره بدل کرده. از طرفی هم به عقیده این کمینه از آنجا که در بین کلمات قرعه و فال که همان استخاره، اخترشماری، فال نیک زدن، پیشگویی بخت و طالع و سهم و نصیب کسی را تعیین کردن، تناسب و تلازم لفظی وجود دارد، قرعه فال مناسبتر، موزونتر و خوش آهنگتر بنظر میرسد. این بود نظر بزرگان ادب در باره فال و کار. کسانی که نظر خود را ابراز داشته اند و کسانی که بدیگر نسخه ها مراجعه و نتیجه را ارقام داشته اند، همچنان چون در جست و جوی این دو کلمه متنازع فیها بازخوانی و دقت در تمام این غزل بوجود آمد، بعضی تفاوت هائی که در ابیات دیگر این غزل و یا حذف یک فرد این غزل بین نسخه های متفاوت موجود است، بر ملاشد، که جناب معروفی صاحب درباره آنها به تفصیل صحبت کرده اند و من هم در آخر این کلام جداگانه بحث خواهم کرد، اما قبل از آن برای روشن شدن کلمات فال و کار خواستم، بفکر ناقص خود به معنی همین یک بیت

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال بنام من دیوانه زدند

رجوع نمایم، که آیا از نگاه معنی اگر صحیح معنی نتوانسته باشم؟ کار مناسب است یا فال. کلام حافظ را که ملکوتی گفته اند و به لسان الغیب ملقب است، نه تنها درین غزل بلکه در اکثر از غزلهای خود از آسمان و قدسیان و غیره سخن میگوید و در همین غزلش نیز کلمات ملائک گل آدم، ساکنان حرم ستر و عفاف و قدسیان آمده است. بناءً وقتی از آسمان سخن میگوید مرادش ساکنان آسمان ملائک، قدسیان، حوریان و غیره است و از بار امانت مقصدش وظائف و مکلفیتهای باری تعالی است که بر بندگان لازم گردیده و مراد از من دیوانه جنس بشر است. پس حافظ میگوید، بار امانت اوامر پروردگار را آسمان یعنی ساکنان آسمان کشیده نتوانست و قرعه آن فال بنام من دیوانه یعنی انسان اصابت کرد و انسان موظفشد که بار اوامر الهی و عبودیت و بندگی را به دوش بکشد، چنانچه اسیر صاحب در قطار دیگرمعانی فال را پیشگویی بخت و طالع نیز گفته اند. پس اگر انسان بار امانت را حمایت و صیانت کند و اوامر را بجا آورد، چانس بیشتری برای رستگاری دارد. اکنون اگر عوض قرعه فال، قرعه کار بگوئیم، بار امانت تنها

بکار منحصر و محدود میشود. اما کار کل بار امانت نیست، یک جزء از بار امانت است و از دیگر فرایض و وظائف بدور میمانیم و این واضح است که انسان تنها برای کار آفریده نشده و دیگر وظائفی از طرف خداوند دارد، که باید بجا بیاورد. بناءً قرعه فال همه را در بر میگیرد و قرعه کار، یک جزئی از اجزای آنرا.

هرگاه آن مصححان و تصحیح کنندگان که این دو کلمه را باهم تعویض کرده اند، دلیل تعویض خود را نیز مینوشتند بهتر بود و موضوع حل میشد. اکنون که چنان نکرده اند، البته چنین مناقشات در بین می آید. چنان که گفته شد، در جست و جوی این دو کلمه متنازع فیها، در همین یک غزل حافظ بازخوانی بعمل آمد و از گپ، گپ برخاست و معلوم شد که با مقایسه این غزل در دو نسخه دیگر که یکی نسخه کنگره بین المللی حافظ و کمیسیون ملی یونسکو و دیگری نسخه خطی علامه محمد قزوینی و دکتر غنی چاپ سال شصت و دو باشد، یک بیت ازین غزل حذف شده؛ یعنی در دیگر چاپهای تصحیح شده علامه قزوینی و دکتر غنی سال هفتاد و نه، این غزل شامل هفت بیت و در دو چاپ معتبری که ذکر شد، شامل هشت بیت است و بیت حذف شده این است:

ما بصد خر من پندار ز ره چون نرویم چون ره آدم خاکی به یکی دانه زدند
این بیت در نسخه های جدید از غزل کشیده و حذف شده است و به نظر بنده، دلیل آن این بوده که کسانی که خودشان در صدها خرمن پندار واهی و شیطانی غرق بوده اند، این فاشگویی و افشاگری حافظ را تحمل نتوانسته و این بیت را از دیوان دور انداخته اند.
نکات دیگر اختلافات لفظی میباشد که جناب معروفی صاحب مفصل در باره آنها صحبت کرده اند، مثلاً در یک نسخه دریک مصرع ساکنان حرم سِرِّ عفاف ملکوت و در نسخه دیگر ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت آمده و یا

کس چو حافظ نکشید از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف عروسان سخن شانه زدند
کس چو حافظ نکشود از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

و یا

آتش آن نیست که از شعله او خندد شمع آتش آن نیست که بر شعله او گرید شمع

و یا

حوریان و صوفیان رقص کنان باده مستانه زدند قدسیان رقص کنان باده مستانه زدند
با در نظر داشت تمام آنچه گفته آمد، من یک نقل این غزل پرجنبال را به زعم خود بهتر از دیگران درینجا می آورم و به گفتار خاتمه میدهم. امیدوارم سبب درد سر خوانندگان گرامی نشده باشم:

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند
 ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت
 شکر ایزد که میان من و او صلح افتاد
 جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه
 آسمان بار امانت نتوانست کشید
 ما به صد خرمن پندار ز خود چون نرویم
 آتش آن نیست که بر شعله او خندد شمع
 آتش آنست که در خرمن پروانه زدند
 آتش آنست که در خرمن پروانه زدند

کس چو حافظ نکشید از رخ اندیشه نقاب

تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند

و این همان چاپی ست که در نسخه کنگره بین المللی حافظ و کمیسیون ملی ایران آمده و فوتوی
 آن بتاریخ دوم نوومبر از طرف دوست محترم ش. حمید در پورتال آزادگان نشر شده است.